

Akhlāq-i zīstī

i.e., Bioethics Journal

2025; 15(40): e14

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Protecting Children's Rights Against Climate Change in the Light of the Theory of Intergenerational Justice

Mohammad Mehdi Seyed Nasserī^{1*} , Mahmoud Abbasi²

1. Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Dubai, UAE.

2. Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Climate change directly or indirectly places the fundamental rights of children - protected under the Convention on the Rights of the Child- at risk, depriving both the present generation and future generations of their rights to survival, development, protection, and participation in society. Throughout history, justice has been regarded as the ultimate goal of legal science and, from an axiological perspective, has been presented as encompassing all values. Nevertheless, the scope and subject of justice have been discussed less frequently. In other words, justice is generally conceived as governing matters and persons who exist in the present world; yet do future generations - particularly children- have no share in justice? This is the question that the theory of intergenerational justice seeks to uncover and address.

Methods: This research adopts a qualitative approach with the aim of describing and analyzing theoretical foundations and international documents, employing a documentary-library method. Data collection was conducted through a review of written documents in the two key domains of children's rights and intergenerational justice in climate change.

Ethical Considerations: In compiling this article, ethical aspects including preserving the originality of texts, honesty, and trustworthiness have been observed.

Findings: In General Comment No. 26, the Committee on the Rights of the Child has adopted a child-rights-based approach and has paid due regard to human rights and environmental principles, the recognition of the human right to a clean, healthy and sustainable environment, as well as the existing and evolving principles and obligations of international environmental law.

Conclusion: The Committee on the Rights of the Child seeks, by emphasizing the theory of intergenerational justice, to obligate the present generation to recognize the rights of future generations particularly children, over natural resources and the environment, and to find solutions for a world currently facing environmental degradation. In this regard, States, on the basis of the principle of common but differentiated responsibilities, are committed to undertaking individual and collective actions, through international cooperation, to respect, promote and fulfil children's rights in the face of climate change, as Article 4 of the Convention underscores the implementation of the Convention as a joint endeavour by States for the full realization of children's rights.

Keywords: Children's Rights; Climate Change; Intergenerational Justice; Protection

Corresponding Author: Mohammad Mehdi Seyed Nasserī; **Email:** sm.snaseri@gmail.com

Received: October 22, 2024; **Accepted:** December 21, 2024; **Published Online:**, October 8, 2025

Please cite this article as:

Seyed Nasserī MM, Abbasi M. Protecting Children's Rights Against Climate Change in the Light of the Theory of Intergenerational Justice. *Akhlāq-i zistī, i.e., Bioethics Journal*. 2025; 15(40): e14.



انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت

مجله اخلاق زیستی

دوره پانزدهم، شماره چهلیم، ۱۴۰۴

حمایت از حقوق کودکان در برابر تغییرات اقلیمی در پرتو نظریه عدالت بین‌نسلی

محمد مهدی سیدناصری^{۱*}، محمود عباسی^۲

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات.

۲. مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تغییرات اقلیمی، حقوق اساسی کودکان را که در کنوانسیون حقوق کودکان از آن‌ها حمایت به عمل آمده به طور مستقیم یا غیرمستقیم در معرض تهدید قرار می‌دهد و نسل حاضر و نسل‌های آتی را از حقوق خود جهت بقا، توسعه، حفاظت و مشارکت در جامعه محروم می‌سازد. در طول تاریخ، «عدالت» را غایت علم حقوق دانسته‌اند و از لحاظ ارزش‌شناسی، آن را جامع ارزش‌ها معرفی نموده‌اند. با این همه، حیطه و موضوع عدالت، کمتر به بحث گذاشته شده است. به تعبیر دیگر، عموماً عدالت را حاکم بر موضوعات و اشخاصی قرار می‌دهند که در اکنون جهان حضور دارند، اما آیا آیندگان به‌خصوص کودکان از عدالت بهره‌ای ندارند؟ این پرسشی است که «نظریه عدالت بین‌نسلی» از آن پرده برمی‌دارد. **روش:** این پژوهش با رویکرد کیفی و با هدف توصیف و تحلیل مبانی نظری و اسناد بین‌المللی، به روش کتابخانه‌ای-اسنادی انجام شده است. گردآوری داده‌ها از طریق مرور اسناد مکتوب در دو حوزه‌ی کلیدی «حقوق کودک» و «عدالت بین‌نسلی در تغییرات اقلیمی» صورت پذیرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تدوین این مقاله جنبه‌های اخلاقی شامل حفظ اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: کمیته حقوق کودک ملل متحد در نظر تفسیری شماره ۲۶ رویکردی مبتنی بر حقوق کودک اتخاذ کرده و به اصول حقوق بشر و محیط زیست، به رسمیت شناختن حق بشر برای داشتن محیط زیستی پاک، سالم و پایدار و اصول و تعهدات موجود و در حال تحول حقوق بین‌الملل محیط زیست توجه داشته است.

نتیجه‌گیری: کمیته حقوق کودک در تلاش است تا با تأکید بر «نظریه عدالت بین‌نسلی» نسل کنونی را مکلف بدارد تا حق نسل‌های آینده به‌خصوص کودکان را در منابع طبیعی و محیط زیست به رسمیت بشناسد و برای جهان در حال نابودی فعلی، راه چاره‌ای بیابد. در همین راستا دولت‌ها براساس اصل مسئولیت مشترک اما متمایز متعهد هستند اقداماتی را جهت احترام، ارتقا و تحقق حقوق کودکان در برابر تغییرات اقلیمی به صورت جداگانه و مشترک از طریق همکاری‌های بین‌المللی انجام دهند، همان‌طور که ماده ۴ کنوانسیون بر اجرای کنوانسیون به‌عنوان یک اقدام مشترک برای دولت‌ها جهت تحقق کامل حقوق کودکان تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: حقوق کودکان؛ تغییرات اقلیمی؛ عدالت بین‌نسلی؛ حمایت

نویسنده مسئول: محمد مهدی سیدناصری؛ پست الکترونیک: sm.snasari@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Seyed Nasseri MM, Abbasi M. Protecting Children's Rights Against Climate Change in the Light of the Theory of Intergenerational Justice. Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. 2025; 15(40): e14.

مقدمه

توسعه هنجاری و نظارتی حمایت از اقشار آسیب‌پذیر از جمله کودکان در حقوق بین‌الملل بشر، در روندی تدریجی در حال تقویت است. در حوزه پاسخ‌دهی به چالش‌های ویران‌گر زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی، این حوزه از حقوق بین‌الملل دچار تحولات نوینی جهت حمایت از کودکان شده است. تغییرات اقلیمی به‌عنوان واقعیتی تلخ و ساخته دست بشر که ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای است، موج عظیمی از بلایای طبیعی، افزایش سطح آب دریاها، گرما و خشکسالی و گسترش مناطق گرمسیری و بیابان‌زایی و شیوع بیماری‌های مسری را در پی داشته است. این برهم خوردن اعتدال، بوم‌سازگان (Ecosystem) را تغییر داده، تولید غذا و تأمین آب را مختل می‌سازد، به زیرساخت‌ها و سکونتگاه‌ها آسیب رسانده و مرگ‌ومیرها را افزایش می‌دهد. از پیامدهای مهم دیگر این تغییرات، مهاجرت‌های اجباری جوامع آسیب‌دیده است که سلامت روحی و جسمی افراد را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین تغییرات اقلیمی به‌طور مستقیم و یا غیر مستقیم، بهره‌مندی کامل و مؤثر از طیف وسیعی از حقوق بشر نظیر حق بر حیات، آب، غذا، سلامت، بهداشت، مسکن، تعیین سرنوشت، حق بر فرهنگ و توسعه را تهدید می‌کند. امروزه خطر بزرگی که ابناى بشر از ناحیه مشکلات محیط زیستی احساس می‌کند، نه تنها آرامش و امنیت زندگی او را برهم زده، بلکه موجودیت او را هم در معرض تهدید و خطر قرار داده است. بنابراین، در کنار مشکلاتی که بشر امروز دارد، فاجعه به هم خوردن تعادل محیط زیستی در اثر تغییرات شدید اقلیمی، یکی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌های اوست. مشکل تغییرات اقلیمی، مشکل تنها یک دولت یا یک قلمرو خاص نیست، بلکه یک چالش بزرگ جهانی است که در بردارنده موضوعات مختلفی نیز هست، که از جمله می‌توان به آلودگی آب و هوا، گرم شدن کره زمین، تغییر الگوی بارش باران و برف، بالا آمدن سطح آب دریاهاى آزاد و کاهش سطح آب دریاچه‌ها، انهدام گونه‌های گیاهی و جانوری، فرسایش لایه ازن، تخریب جنگل‌ها و باران‌های اسیدی اشاره نمود. افزایش خشکسالی‌ها، افزایش سیل‌ها، کاهش محصولات کشاورزی،

تشدید طوفان‌های مرگبار، همه و همه حکایت از وخیم‌تر شدن اوضاع دارد. امروزه امنیت، سلامت و معاش مردم در نتیجه تغییرات اقلیمی به شدت مورد تهدید قرار گرفته است. اکثر افرادی که در اثر این تغییرات اقلیمی صدمه می‌بینند فقیرترین افراد در جهان بوده که شاهد ویران شدن مساکن و منابع حیاتی خود هستند و در نتیجه وادار به مهاجرت شده و در پی یافتن پناهگاهی برای خود خواهند آمد. واقعیت این است که مردمی که کمترین نقش را در شکل‌گیری این اوضاع دارند، بیشترین بار را تحمل می‌کنند. هم‌اکنون دولت‌ها و جوامع فقیر بیشترین آسیب‌پذیری را تجربه می‌کنند. خشک شدن زمین‌ها، نابودی محصولات کشاورزی، افزایش سطح آب دریاها، نابودی آب‌های شیرین، و بالاخره از بین رفتن مناطق مسکونی از مهم‌ترین آسیب‌هاست. انتشار کربن از سوی دولت‌های صنعتی، پیامدهای محیط زیستی و آثاری سوء بر حیات بشر دارد. در نتیجه، افزایش دمای زمین مدت‌هاست که در حال نقض حقوق انسان‌هاست و مادامی که گازهای آلاینده گلخانه‌ای منتشر شده از سوی کشورهای صنعتی، حقوق اولیه میلیون‌ها انسان را از حیات، امنیت، غذا، سلامت و سرپناه محروم می‌کنند، چنین نقضی ادامه دارد. حق داشتن محیط زیست سالم به‌عنوان حقی از حقوق انسان‌ها در حیطه حقوق بشر و حقوق محیط زیست شناخته شده است. از آنجایی که حق حیات نخستین و اساسی‌ترین حق از حقوق انسان‌ها محسوب می‌گردد پس مبدأ و خاستگاه کلیه حقوق دیگر بشر است. مطابق با ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر هر فردی سزاوار و محق به زندگی، آزادی و امنیت فردی است و از جمله حقوق بشری که میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌کوشد ترویج و حمایت کند حق برخورداری از استانداردهای زندگی رضایت‌بخش و عالی‌ترین استانداردهای قابل حصول رفاه جسمی و روانی است. به‌علاوه بخش سوم مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که مهم‌ترین بخش میثاق است، شامل حقوق ماهوی افراد است. این حقوق ماهوی با ذکر بنیادی‌ترین حق انسان‌ها که همان حق حیات است در ماده ۶ آغاز می‌شود.

حق بر حیات عبارت است از اینکه انسان حق بنیادی جهت زندگی کردن دارد. از آنجایی که حقوق بشر منوط به زنده بودن بشر است، حق زندگی بر حقوق دیگر اولویت دارد؛ زیرا بدون حیات، دیگر حقوق، ارزش یا کاربرد ندارد. در چنین شرایطی، جهت دستیابی به عدالت در زمینه تغییرات اقلیمی و جلوگیری از صدمه دیدن و آزوده‌تر شدن بیشتر بشریت لازم است نهادهای بین‌المللی دفاع از حقوق انسان‌ها، در این خصوص چاره‌ای اندیشیده و به حمایت از این جوامع آسیب‌پذیر برخیزند و ضروری است تا قوانین و نهادهای حقوق بین‌الملل، به حمایت از این حق انسانی برخیزند. دولت‌ها نیز می‌بایست در اقدامی فوری در مقابل نقض جدی حقوق انسان‌ها در این عرصه ایستادگی نمایند. در طول تاریخ، «عدالت» را غایت دانش حقوق دانسته‌اند و از لحاظ ارزش‌شناسی، آن را جامع ارزش‌ها معرفی نموده‌اند. با این همه، حیطه و موضوع عدالت، کمتر به بحث گذاشته شده است. به تعبیر دیگر، عموماً عدالت را حاکم بر موضوعات و اشخاصی قرار می‌دهند که در اکنون جهان حضور دارند، اما آیا آیندگان از عدالت بهره‌ای ندارند؟ این پرسشی است که «نظریه عدالت بین‌نسلی» از آن پرده برمی‌دارد. پرسش از این نوع عدالت در سالیان اخیر در پرتو پیشرفت فناوری و گسترده‌تر شدن دست انبای بشر در طبیعت و به تبع، خطر نابودی بوم‌سازگان طبیعی و انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است.

نظریه عدالت بین‌نسلی در تلاش است نسل کنونی را مکلف بدارد تا حق نسل‌های آینده را در منابع طبیعی و محیط زیست به رسمیت بشناسد و برای جهان در حال نابودی فعلی، راه چاره‌ای بیابد. کودکان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه در هر کجای دنیا، در فرآیند رشد سالم نیازهایی از قبیل مسکن مناسب، غذای سالم، مراقبت‌های پزشکی با کیفیت، فرصت یادگیری و حمایت‌های اجتماعی و عاطفی دارند. تغییرات اقلیمی، امکان فراهم نمودن این نیازهای اساسی و بنیادین را با تهدید مواجه می‌سازد و بر طیف وسیعی از حقوق کودکان تأثیر می‌گذارد. از دست دادن تنوع زیستی، آلودگی و تغییرات

اقلیمی، پیامدهایی همچون بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، نابرابری فزاینده، کاهش امنیت غذایی و آبی و افزایش تهدیدهای برای سلامت و معیشت کودکان را به دنبال دارد. به عبارت دیگر، تغییرات اقلیمی، حقوق اساسی کودکان را که در کنوانسیون حقوق کودک از آن‌ها حمایت به عمل آمده به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در معرض تهدید قرار می‌دهد و نسل حاضر و نسل‌های آتی را از حقوق خود جهت بقا، توسعه، حفاظت و مشارکت در جامعه محروم می‌سازد. بنابراین بحران‌های محیط زیستی کنونی و چالش‌های ناشی از آن‌ها نیازمند تفسیری پویا از کنوانسیون حقوق کودک است تا کلیه حقوق ذیل پیمان‌نامه برای کودکان محقق گردد. کمیته حقوق کودک در این راستا نظر تفسیری جدید خود به شماره ۲۶ را باتوجه به بند ۲(پ) ماده ۲۴ کنوانسیون و با تمرکز بر حقوق کودکان و محیط زیست تنظیم کرده است. کمیته مذکور در این تفسیر رویکردی مبتنی بر حقوق کودک اتخاذ کرده و به اصول حقوق بشر و محیط زیست، به رسمیت شناختن حق بشر برای داشتن محیط زیستی پاک، سالم و پایدار و اصول و تعهدات موجود و در حال تحول حقوق بین‌الملل محیط زیست توجه داشته است. حال این پرسش‌ها مطرح است که کودک کیست و تغییرات اقلیمی تحقق کدام یک از حقوق کودکان را تهدید و نقض می‌نماید؟ و تکالیف دولت‌ها در حمایت و تضمین از حقوق کودکان در برابر تغییرات اقلیمی با تأکید بر نظر تفسیری شماره ۲۶ کمیته حقوق کودک چگونه قابل تحلیل است؟

روش

این پژوهش با رویکرد کیفی و با هدف توصیف و تحلیل مبانی نظری و اسناد بین‌المللی، به روش کتابخانه‌ای-اسنادی انجام شده است. گردآوری داده‌ها از طریق مرور اسناد مکتوب در دو حوزه‌ی کلیدی «حقوق کودک» و «عدالت بین‌نسلی در تغییرات اقلیمی» صورت پذیرفته است.

یافته‌ها

کمیته حقوق کودک ملل متحد در نظر تفسیری شماره ۲۶ رویکردی مبتنی بر حقوق کودک اتخاذ کرده و به اصول حقوق بشر و محیط زیست، به رسمیت شناختن حق بشر برای داشتن محیط زیستی پاک، سالم و پایدار و اصول و تعهدات موجود و در حال تحول حقوق بین‌الملل محیط زیست توجه داشته است.

بحث

۱. مفهوم‌شناسی

در ابتدا می‌بایست سه مفهوم بسیار مهم و کلیدی یعنی کودک، تغییرات اقلیمی و نظریه عدالت بین‌نسلی در پژوهش حاضر را تعریف نماییم.

۱-۱. کودک

مطابق با تعریف ماده اول کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ به‌عنوان یکی از قابل قبول‌ترین اسناد حقوق بشری در سطح جهان، کودک به هر فرد انسانی زیر هجده سال اطلاق می‌شود، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ زودتر حاصل شده باشد (۱).

به‌علاوه در ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک، حضور افراد زیر ۱۵ سال در مخاصمات مسلحانه ممنوع شده است که البته این سن در پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در جنگ که در ۱۲ فوریه ۲۰۰۲ میلادی لازم‌الاجرا شد، به ۱۸ سال افزایش یافته است.

با تکیه بر موارد فوق و توجه به ابعاد مختلف تعریف کودکی، نمی‌توان به‌طور دقیق حدود سنی کودک را مشخص نمود، اما می‌توان گفت با تکیه بر کنوانسیون حقوق کودک، پایان کودکی همان ۱۸ سال تلقی شده است و آغاز آن را می‌توان از قبل از تولد کودکان و دوره جنینی در نظر گرفت.

دولت‌ها باید برای ایفای حق بر سلامت کودکان، علاوه بر اقدامات لازم در سطح ملی در عرصه بین‌المللی نیز فعال باشند تا کودکان از دوره کودکی، در همه جوانب، به سلامت عبور نمایند (۲).

۲-۱. تغییرات اقلیمی

تغییر اقلیمی، که به تغییرات طولانی‌مدت در الگوهای هواشناسی اشاره دارد، امروزه به یکی از مهم‌ترین مسائل جهانی تبدیل شده است. این پدیده، که به‌طور عمده تحت تأثیر فعالیت‌های بشری قرار دارد، تأثیرات گسترده‌ای بر محیط زیست، سلامت عمومی، و اقتصاد جهانی دارد. تغییر اقلیم به تغییرات طولانی‌مدت در دما، بارش، باد و سایر عناصر آب و هوایی اطلاق می‌شود. این تغییرات می‌توانند ناشی از فرآیندهای طبیعی همچون فعالیت‌های آتشفشانی یا تغییرات در تابش خورشیدی باشند، اما در دهه‌های اخیر، فعالیت‌های بشری نظیر سوزاندن سوخت‌های فسیلی و تخریب جنگل‌ها، نقش عمده‌ای در این تغییرات داشته‌اند. اصلی‌ترین عامل تغییر اقلیمی، افزایش گازهای گلخانه‌ای مانند دی‌اکسیدکربن، متان و اکسید نیتروژن در جو زمین است. این گازها موجب گرم شدن کره زمین می‌شوند، زیرا تابش خورشیدی را جذب کرده و مانع از بازتابش آن به فضا می‌شوند (۳).

۳-۱. نظریه عدالت بین‌نسلی

امروزه بشر در دوره سیطره کامل، فناوری فرهنگ و محیط زیست و بوسازگان بر زمین زندگی می‌کند؛ هر آنچه آدمی اکنون انجام می‌دهد بی‌تردید در آینده او و هم‌نوعانش تأثیر می‌گذارد و می‌تواند آیندگان را در معرض خطرات جدی و جبران‌ناپذیری قرار دهد با این همه، عموماً چنین مباحثی اساساً بی‌ربط قلمداد می‌شوند و اغلب به این بهانه که این پرسش‌ها نشان‌دهنده مشکلات بالفعل جهان نیستند مورد طعن قرار می‌گیرند برخی مدعی شده‌اند که این بی‌اعتنایی به عواقب اعمال اکنونیان بر زندگی آیندگان بیشتر از سوی افرادی است که دیگر امیدی به زیست ندارند و احتمالاً سال‌های پایانی عمر خود را سپری می‌کنند و آینده را به آیندگان واگذار نموده‌اند. طبق نگرش خط مقدم این آوردگاه در دستان نسل جوانی است که خود را در معرض تهدیدهای کنونی می‌پندارد و توانسته است برای این بحث در سازمان ملل متحد نیز جایی باز نماید. آنچه این موضوع را به نظامی منطقی می‌کشد مفهومی است که «نظریه عدالت بین‌نسلی» یا «انصاف بین‌نسلی»

(Theory of Intergenerational Justice) خوانده می‌شود و در سال‌های اخیر توانسته ادبیاتی مخصوص به خود را در رشته‌های مختلف از جمله سیاست و حقوق به خود اختصاص دهد. به هر حال نباید از یاد برد که حقوق همواره نظامی هنجاری است، که تضمین‌کننده اعتقادات موجود در جامعه است، بنابراین در حقوق بین‌الملل نیز تا زمانی که اندیشه‌ای وارد مجموعه «جامعه بین‌المللی» نشده باشد نمی‌تواند در نظام حقوق بین‌الملل برای خود جایی باز نماید.

عدالت بین نسلی این جایگاه را پیدا کرده اما کماکان در مراحل جنین حقوقی به سر می‌برد. به عبارت دیگر هرچند تعهدات بین نسلی در کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های متعدد بین‌المللی به کار رفته است هنوز جایگاه قاعده مدون یا عرفی بین‌المللی را پیدا نکرده است. به صورت سنتی متفکرینی که قصد داشته‌اند پای بحث عدالت بین نسلی را به نظام موضوعه حقوق بین‌الملل باز نمایند از مفهوم «انصاف» و «اصول منصفانه» کمک گرفته‌اند؛ همان اصولی که در حقوق بین‌الملل بارها برای تفسیر قواعد حقوقی مختلف به منظور رسیدن به نتیجه عادلانه مورد استفاده واقع شده است. به‌عنوان نمونه، دیوان بین‌المللی دادگستری به کرات جهت حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها در تخصیص منابع به انصاف استناد و تفسیر خود را از اصول و قواعد متصلب تعدیل و در نتیجه نتایجی عادلانه استخراج کرده است. براساس این تحلیل می‌توان نظریه عدالت بین نسلی را ابزاری تفسیری براساس اصل انصاف دانست که به واسطه آن نسل کنونی می‌بایست طوری از منابع و شرایط زیست استفاده نماید که حق نسل‌های بعدی و آیندگان در آن محفوظ بماند و بتوانند از آن بهره‌مند شوند در اینجا سخن از لطف و مکرمت نسبت به آیندگان نیست بلکه در این است که نسل کنونی نوعی «وظیفه» و «تکلیف» دارد که در بهره‌برداری از منابع محیط زیست حقوق نسل‌های آینده را ملحوظ نماید (۴).

۲. اثرات ویرانگر آسیب‌های زیست‌محیطی بر منظومه حقوق کودکان

تغییرات اقلیمی به‌عنوان یکی از نگرانی‌های جدی قرن بیست و یکم، بر سلامت و رفاه انسان تأثیرهای منفی زیادی گذاشته است. به دلیل ویژگی سنی، کودکان به‌طور منحصر به فردی در برابر تغییرات آب و هوایی آسیب‌پذیرتر هستند. تغییرات اقلیمی از طریق افزایش آلودگی هوا، بلایای مرتبط با آب و هوا، امواج گرمای شدید، کاهش کیفیت و کمیت آب، کمبود مواد غذایی و قرار گرفتن بیشتر در معرض مواد سمی بر سلامت کودکان تأثیر گذاشته است (۵). تغییرات اقلیمی همچنین تحقق بسیاری از حقوق بنیادین کودکان را تهدید می‌نماید. حق بر حیات، بقا و توسعه (ماده ۶)، حق بر سلامت (ماده ۲۴)، حق بر آموزش (مواد ۲۸ و ۲۹ بند (۱) (ث))، حق برخورداری از استانداردهای مناسب جهت زندگی (ماده ۲۷)، حق بر استراحت، بازی، اوقات فراغت، تفریح و فعالیت‌های فرهنگی و هنری (ماده ۳۱)، حق کودکان بومی (ماده ۳۰)، حق بر عدم تبعیض (ماده ۲)، مصالح عالیۀ کودک (ماده ۳)، حق بر شنیده شدن (ماده ۱۲)، آزادی بیان، تشکل و اجتماعات مسالمت‌آمیز (مواد ۱۳ و ۱۵)، دسترسی به عدالت و جبران خسارت مؤثر (ماده ۴) و حق داشتن محیطی پاک، سالم و پایدار از جمله حقوقی هستند که در ارتباط با محیط زیست است.

حق حیات کودکان به واسطه آسیب‌های محیط زیستی قابل اجتناب و چالش‌های ناشی از آن‌ها همچون فقر و نابرابری مورد تهدید قرار گرفته است و آن‌ها را در معرض مرگ زودرس یا غیر طبیعی قرار می‌دهد. از طرفی این آسیب‌ها رشد کامل و همه جانبه کودکان را نیز به خطر می‌اندازد. حق بر سلامتی کودکان که شامل دسترسی به خدمات به موقع و مناسب بهداشتی و عوامل اساسی تعیین‌کننده سلامت همچون؛ محیط زیست سالم و امکانات، خدمات و شرایط لازم برای تحقق بالاترین استانداردهای قابل دستیابی سلامت است توسط خطراتی همچون آب آشامیدنی ناسالم، بهداشت نامناسب، و آلودگی‌های خانگی و آلودگی‌های مرتبط با

صنعتی شدن، مورد تهدید واقع می‌شود؛ و تغییرات اقلیمی و تخریب بوم‌سازگان این خطرات را تشدید می‌نماید. آسیب‌های محیط زیستی علاوه بر سلامت جسمانی، سلامت روانی کودکان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (۶).

حق بر آموزش یکی از ارکان رویکرد مبتنی بر حقوق کودک به محیط زیست است؛ و مطابق بند (۱) (ث) ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک، آموزش کودک باید در جهت توسعه احترام به محیط طبیعی باشد و ارزش‌های محیط زیستی را منعکس نماید. به‌علاوه مواد آموزشی باید اطلاعات محیطی دقیق، به روز و متناسب با سن و رشد کودکان را ارائه دهند و آنان را جهت رویارویی با چالش‌ها و خطرات محیطی آماده نمایند. اما این حق به شدت تحت تأثیر آسیب‌های محیط زیستی که منجر به تعطیلی مدارس و ترک تحصیل می‌شود، قرار دارد. کودکان حق دارند از سطح مناسب زندگی جهت رشد جسمی، ذهنی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی برخوردار شوند؛ و محیط زیست پاک، سالم و پایدار پیش نیاز تحقق این حق است. هرچند امروزه یکی از علل فقر کودکان قرار گرفتن در معرض آسیب‌های محیط زیستی است و این حق را نقض می‌نماید.

حق کودک بر بازی و تفریح کودکان که برای سلامت و تندرستی و رشد همه جانبه آنان ضروری است و با قرار گرفتن در محیط‌های ناامن و خطرناک، خصوصاً برای کودکانی که در فقر و در مناطق شهری زندگی می‌کنند، مورد تهدید واقع می‌شود. همچنین حق کودکان بومی در برخورداری از فرهنگ و محیط بومی به‌طور نامناسبی در معرض تخریب محیط زیست، آلودگی و تغییرات اقلیمی قرار می‌گیرد که منجر به آسیب و یا تخریب محیط بومی شده و آنان را از این حق محروم می‌نماید (۷). حق بر عدم تبعیض نیز تحت تأثیر شوک‌های محیط زیستی قرار دارد؛ و گروه‌های خاصی از کودکان از جمله دختران، کودکان دارای معلولیت، کودکان بومی و گروه‌های اقلیت به دلیل تبعیض‌های متعدد در برخورداری از حقوقشان که مرتبط با محیط زیست است با موانع بیشتری مواجه هستند.

به دلیل آسیب‌پذیری خاص کودکان در برابر آسیب‌های محیط زیستی، تعیین بهترین مصالح کودک می‌بایست شامل

ارزیابی این شرایط خاص باشد. هدف از این ارزیابی برخورداری کامل و مؤثر از کلیه حقوق مربوط به محیطی امن، سالم و پایدار است. کودکان حق بر شنیده شدن دارند و می‌بایست صدای آن‌ها و دیدگاه‌هایشان در رابطه با مسائل محیط زیستی به دلیل آثار همه‌جانبه‌ای که بر زندگی آنان دارد مورد توجه قرار گیرد. حقوق کودکان برای آزادی بیان، تشکل و اجتماعات مسالمت‌آمیز خصوصاً کودکانی که نظرات خود را در اعتراضات عمومی در مورد تخریب محیط زیست یا تغییرات اقلیمی بیان می‌کنند، ممکن است مورد تهدید و اقدامات تلافی‌جویانه قرار گیرد (۸).

در رابطه با حق کودکان در دسترسی به عدالت و جبران خسارت، کودکان اغلب موانع زیادی برای احقاق حقوقشان در زمینه محیط زیست دارند؛ از جمله موانعی همچون الزامات محدودکننده قانونی، طولانی بودن فرآیند دعوای قضایی و مراجعه به نهادهای فراملی در صورت مراجعه پیشین به نهادهای داخلی (CRC/C/GC/27). کودکان از حق داشتن محیطی پاک، سالم و پایدار برخوردار هستند و عناصر اساسی این حق شامل هوای پاک، اقلیمی امن، بوم‌سازگان و تنوع زیستی سالم، آب سالم و کافی، غذای سالم و پایدار و محیط‌های غیر رسمی برای آن‌ها بسیار حائز اهمیت است که این حق امروزه با تشدید تغییرات اقلیمی مورد تهدید جدی قرار گرفته است (۹).

۳. دیالکتیک عمل‌گرایی و اصول در پرتو قضیه ساکی

علیه دولت آرژانتین نزد کمیته حقوق کودک

در یازدهم اکتبر سال ۲۰۲۱، کمیته حقوق کودک ملل متحد تصمیمات خود را درخصوص دعوای مطروحه علیه پنج دولت (آرژانتین، برزیل، فرانسه، آلمان و ترکیه) به طرفیت ۱۶ شاکی کودک که مطابق با آیین دادرسی مندرج در پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک اقامه گردیده بود، منتشر نمود. متعاقب این تصمیم، کمیته دریافت که یک دولت عضو می‌تواند مسئول اثرات منفی انتشار کربن بر حقوق کودکان در داخل و خارج از قلمرو خود قلمداد گردد. این تصمیم به‌طور قابل ملاحظه‌ای درک حقوق بین‌الملل بشری از دامنه تعهدات

دولت در زمینه تغییرات اقلیمی - هم از نظر محتوای وظایف و هم از نظر اعمال صلاحیتی آن‌ها - را ارتقا می‌دهد، کمیته در نهایت دعوی را به علت عدم تحقق کامل فرآیند دادرسی داخلی غیر قابل پذیرش اعلام کرد. گرچه این تصمیم با نارضایتی قابل درک از سوی برخی فعالان اقلیمی مواجه شد، اما این عدم پذیرش مستدل و قانع‌کننده است؛ به علاوه، ضمن احترام مقتضی به فرآیندهای دادرسی داخلی، درها را به روی شکایات آتی حقوق کودک در زمینه عدالت اقلیمی کاملاً باز می‌گذارد. ادعای اصلی شکایت مبنی بر این بود که خواندگان در مواجهه با ایجاد و تداوم غیرمستولانه تغییرات اقلیمی تهدیدکننده حیات از اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و احتیاطی لازم به منظور احترام، حفاظت و تحقق حق بر زندگی (ماده ۶)، حق برخورداری از بالاترین استاندارد بهداشت (ماده ۲۴) و حق برخورداری از فرهنگ (ماده ۳۰) شاکیان مطابق با کنوانسیون حقوق کودک قصور ورزیده‌اند. خواهان‌ها از کمیته درخواست کرده بودند که ادله‌ای به دست آورد مبنی بر اینکه؛ تغییرات اقلیمی یک بحران حقوق کودک است، که دولت عضو، به همراه سایر دولت‌ها، با اقدام آگاهانه و بدون توجه به شواهد علمی موجود در زمینه اقدامات لازم به منظور جلوگیری و کاهش تغییرات اقلیمی، باعث ایجاد و تداوم بحران آب و هوایی شده است و همچنین دولت عضو با تداوم تغییرات اقلیمی تهدیدکننده حق بر حیات، حق بر زندگی، حق بر سلامت، و اولویت دادن به مصالح عالیه کودک، و نیز حق برخورداری از فرهنگ جوامع بومی شاکیان را نقض می‌کند (۱۰).

این شکایت گزارشات مفصل و قابل توجهی از تأثیرات گوناگونی ارائه می‌دهد که تغییرات اقلیمی بر زندگی فعلی و آینده شاکیان و همچنین بر زیست‌بوم‌ها و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند، می‌گذارد. شاکیان، کودکانی از دوازده دولت مختلف بودند که تنها ۵ دولت از این مجموعه در زمره تصویب‌کنندگان پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک بودند. قابل توجه است که در گروه خواندگان اسم دولت تونس و جزایر مارشال - که ۴ نفر از خواهان‌ها تبعه آن‌ها بودند - به

چشم نمی‌خورد اما در مقابل نام دولت ترکیه که هیچ‌یک از خواهان‌ها تبعه آن نبودند درج شده بود. به نظر می‌رسد که انتخاب دولت‌های خوانده حداقل تا حدی ناشی از این واقعیت بوده است که پنج دولت پاسخ‌دهنده (همگی اعضای کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی) مسببان اصلی تاریخی و اعضای تأثیرگذار گروه بیست هستند، علاوه بر مسئولیت مستقیم خواندگان، ظرفیت به‌کارگیری «ابزارهای قانونی، دیپلماتیک و اقتصادی» جهت اطمینان از اینکه سایر تولیدکنندگان اصلی گروه بیست که عضو پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق کودک نیستند (۱۱) اقدامات لازم را جهت کربن‌زدایی انجام دهند، وجود دارد. بنابراین از همان آغاز آشکار بود که موضع اتخاذی کمیته درخصوص دامنۀ فراسرزمینی کنوانسیون حقوق کودک برای کلیه شاکیان به جز چهار نفر حیاتی خواهد بود. نتیجتاً، شاکیان به دنبال توصیه‌هایی از جانب کمیته بودند که دولت خوانده قوانین خود را بازبینی و اصلاحات لازم را انجام دهد تا اطمینان حاصل گردد که «تلاش‌ها جهت کاهش و تطبیق تا حداکثر میزان منابع موجود و براساس بهترین شواهد علمی در دسترس به منظور حمایت از حقوق خواهان‌ها و توجه به بهترین منفعت کودک، به‌عنوان اولین ملاحظه، به ویژه در تخصیص هزینه‌ها و مسئولیت‌های مربوط به کاهش و تطبیق با تغییرات اقلیمی تسریع می‌شوند» (۱۲). فراتر از مسئولیت انفرادی دولت، شاکیان صدور توصیه کمیته مبنی بر آغاز همکاری بین‌المللی از سوی دولت‌های عضو مربوطه و افزایش تلاش‌های آن در مورد ابتکاران جمعی موجود به منظور وضع اقدامات الزام‌آور و قابل اجرا در راستای کاهش بحران آب و هوا، جلوگیری از آسیب بیشتر به شاکیان و سایر کودکان و تضمین حقوق آن‌ها را خواستار بودند. در نهایت، و به‌طور انتقادی از منظر «تمرکز خاص بر کودک» در دعوای مطروحه، شاکیان از کمیته درخواست صدور توصیه‌ای داشتند مبنی بر اینکه دولت عضو «باید از تحقق حق بر شنیده شدن کودک و بیان آزادانه نظرات خود در کلیه پویش‌های بین‌المللی، ملی و محلی در راستای کاهش یا تطبیق با بحران آب‌وهوایی و

اختیاری [صلاحیت قضایی] تحت صلاحیت دولتی هستند که منشأ انتشار گازهای گلخانه‌ای در قلمرو آن قرار دارد»

۴. تعهدات دولت‌ها در حمایت و تضمین از حقوق کودکان در برابر تغییرات اقلیمی

دولت‌ها براساس اصل مسئولیت مشترک اما متمایز متعهد هستند اقداماتی را جهت احترام، ارتقا و تحقق حقوق کودکان در برابر تغییرات اقلیمی به صورت جداگانه و مشترک از طریق همکاری‌های بین‌المللی انجام دهند، همان‌طور که ماده ۴ کنوانسیون بر اجرای کنوانسیون به عنوان یک اقدام مشترک برای دولت‌ها جهت تحقق کامل حقوق کودکان تأکید می‌نماید (۱۵). نخستین تکلیف دولت‌ها تعهد به احترام، حفاظت و تحقق حقوق کودکان با توجه به وضعیت خاص آن‌ها در زمینه محیط زیست است. بدان معنا که دولت‌ها باید محیط زیستی پاک، سالم و پایدار را به منظور احترام، محافظت و تحقق حقوق کودکان تضمین نمایند. همچنین دولت‌ها ملزم هستند از نقض حقوق کودکان از طریق ایجاد آسیب‌های محیط زیستی خودداری نمایند؛ از کودکان در برابر مداخلات مضر محیط زیستی اشخاص ثالث محافظت نموده و از تأثیرات بلایای زیست‌محیطی تهدیدکننده بر زندگی کودکان حتی اگر خارج از کنترل انسان باشد (۱۶)، پیشگیری کرده یا بکاهند. علاوه بر این دولت‌ها باید گام‌های قابل لمس و هدفمندی همچون توسعه قوانین، استراتژی‌ها و سیاست‌ها را در جهت دستیابی کامل و مؤثر حقوق کودکان مرتبط با محیط زیست بردارند و حداکثر منابع مالی، طبیعی، انسانی، فناوری و اطلاعاتی را به این موضوع اختصاص دهند (۱۷). دومین تکلیف دولت‌ها تعهد به دسترسی به اطلاعات است. دولت‌ها می‌بایست اطلاعات مربوطه من جمله علل و آثار آسیب‌های محیط زیستی، قوانین، مقررات و سیاست‌های محیط زیستی را به منظور توانمندسازی کودکان، والدین و مراقبان آنان برای درک آثار بالقوه آسیب‌های محیط زیستی بر حقوق کودکان فراهم نمایند. این اطلاعات می‌بایست متناسب با سن و ظرفیت کودکان تنظیم گردد و بر موانعی همچون بی‌سوادی، ناتوانی، زبان و دسترسی محدود به فناوری

همچنین در کلیه تلاش‌هایی که در پاسخ به این پویش انجام می‌شود، اطمینان حاصل نماید». این درخواست کاملاً مطابق با ماده ۱۲ کنوانسیون بود. لازم به ذکر است، در حالی که حق بر شنیده شدن کودک از سوی شاکیان به شیوه‌ای آینده‌نگر به کار گرفته شده بود، این شکایت به دنبال این نبود که دولت‌ها را به دلیل عدم تضمین حق بر شنیده شدن کودک در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی گذشته مسئول بداند. کمیته حقوق کودک به مجموعه‌ای از نتایج بدیع دست یافت؛ نخست، کمیته به صراحت اعلام کرد که کنوانسیون به تعهدات فراسرزمینی جهت رسیدگی به تغییرات اقلیمی منتهی می‌شود (۱۳). صلاحیت محور اصلی تمرکز در جلسات شفاهی با نمایندگان حقوقی بود و کمیته از این تصمیم برای جبران ناکامی قبلی خود (حداقل برای اهداف تغییرات اقلیمی) در شفاف‌سازی استاندارد استفاده نمود که از آن جهت ارزیابی وجود و زمان تحمیل شدن تعهدات فراسرزمینی به دولت‌ها استفاده می‌کرد (۱۴). کمیته در قضیه ساکی (Sacchi)، به رویه قضایی مرتبط کمیته حقوق بشر و دادگاه اروپایی حقوق بشر در مورد تعهدات فراسرزمینی اشاره نمود، اما تأکید کرد که این رویه قضایی در وضعیت‌های موضوعی که بسیار متفاوت با حقایق و شرایط مورد بحث هستند، توسعه یافته و اعمال شده است. کمیته با تأکید بر اینکه این مشابهت‌ها سبب طرح «مسائل صلاحیتی جدیدی در زمینه آسیب فراسرزمینی مرتبط با تغییرات اقلیمی» می‌گردد، به این نتیجه رسید که معیار مناسب برای صلاحیت، معیاری است که توسط دادگاه حقوق بشر دول آمریکایی در نظر مشورتی سال ۲۰۱۷ میلادی خود درباره محیط زیست و حقوق بشر اتخاذ شده است.

به نظر کمیته، این امر دلالت بر آن دارد که «وقتی آسیب فراسرزمینی اتفاق می‌افتد، در صورت احراز رابطه علیت میان فعل یا ترک فعل دولت مورد نظر و تأثیر منفی بر حقوق کودکان حاضر در خارج از قلمرو آن، زمانی که دولت مبدأ کنترل مؤثری بر منابع انتشار گازهای گلخانه‌ای مورد نظر اعمال می‌کند کودکان برای اهداف بند یک ماده ۵ پروتکل

اطلاعات غلبه نماید. سومین تکلیفی که دولت‌ها ملزم به انجام آن هستند، ارزیابی تأثیر مصوبات حقوق کودک در کلیه قوانین، سیاست‌ها، بودجه و سایر تصمیمات اداری مرتبط با محیط زیست است (۱۸). ارزیابی مذکور می‌بایست توجه ویژه‌ای به تأثیر متمایز اقدامات مرتبط با اقلیم بر کودکان خصوصاً گروه‌هایی که بیشتر در معرض خطر هستند همچون خردسالان داشته باشد و کلیه حقوق مربوطه ذیل کنوانسیون حقوق کودک را مدنظر قرار دهد. تکلیف دیگر دولت‌ها در ارتباط بخش تجاری است. فعالیت‌های تجاری یک منبع مهم آسیب‌های محیط زیستی است که منجر به نقض حقوق کودکان می‌شود. بخش تجاری ملزم به احترام به حقوق کودکان و پیشگیری و رفع نقض حقوق آنان در رابطه با محیط زیست هستند و دولت‌ها می‌بایست اطمینان حاصل نمایند که بخش مذکور از جمله شرکت‌های دولتی این مسئولیت را انجام می‌دهند. در این راستا دولت‌ها موظفند چارچوب‌های لازم را از طریق قوانین، مقررات و نظارت فراهم نمایند و بخش تجاری را ملزم به انجام بررسی‌های لازم در مورد تأثیرات روابط تجاری و عملیات‌های جهانی خود بر محیط زیست و حقوق کودک نمایند. همچنین در صورتی که این آثار به کودکان آسیبی وارد نماید باید اقدامات فوری جهت جلوگیری از آسیب بیشتر به سلامت و رشد کودکان و جبران آسیب‌های وارد شده انجام شود (۱۹).

علاوه بر این دولت‌ها براساس اصل مسئولیت مشترک اما متمایز متعهد هستند اقداماتی را جهت احترام، ارتقا و تحقق حقوق کودکان به صورت جداگانه و مشترک از طریق همکاری‌های بین‌المللی انجام دهند، همان‌طور که ماده ۴ کنوانسیون بر اجرای کنوانسیون به‌عنوان یک اقدام مشترک برای دولت‌ها جهت تحقق کامل حقوق کودکان تأکید می‌نماید. در این راستا کشورهای توسعه یافته باید از دولت‌های در حال توسعه از طریق کمک‌های فنی و مالی لازم چون تسهیل انتقال فناوری‌های سبز حمایت نمایند. همچنین دولت‌ها می‌بایست با حسن نیت در ایجاد یک واکنش جهانی برای رسیدگی به خسارات و آسیب‌های ناشی از اقلیم که

آسیب‌پذیرترین کشورها متحمل می‌شوند همکاری نمایند و توجه ویژه‌ای به حفاظت از حقوق کودکان با در نظر گرفتن آسیب‌پذیری خاص آن‌ها در برابر خطرات مرتبط با اقلیم داشته باشند. علاوه بر تکالیف ذکرشده، کمیته حقوق کودک رهنمودهای معتبری را نیز در مورد اقدامات قانونی، اداری و سایر اقدامات دولت‌ها با توجه به تغییرات اقلیمی و مسائل محیط زیستی ارائه می‌دهد. از جمله در رابطه با تعهد به احترام، حمایت و تحقق حقوق کودکان، دولت‌ها می‌توانند تدابیری که شیوه تولید و مصرف را به سمت پایداری از نظر محیط زیستی هدایت می‌نماید و تاب‌آوری کودکان را تقویت می‌کند، اتخاذ نمایند (۲۰). علاوه بر این، حق کودکان برای داشتن محیطی پاک، سالم و پایدار را در قوانین ملی خود بگنجانند و اطمینان حاصل نمایند که رویکرد مبتنی بر حقوق کودک در کلیه تصمیمات و اقدامات محیط زیستی مرتبط با کودکان از جمله سیاست‌های مربوط به آموزش، اوقات فراغت و سلامت کودکان مد نظر قرار می‌گیرد. همچنین با توجه به تشدید تأثیرات ناشی از تغییرات اقلیمی، طراحی اقدامات فوری در جهت سازگاری کودکان ضروری است. دولت‌ها می‌بایست آسیب‌پذیری‌های کودکان را در دسترسی، کیفیت، برابری و پایداری خدمات ضروری چون آب و فاضلاب، مراقبت‌های بهداشتی، تغذیه و آموزش شناسایی کرده و اطمینان حاصل نمایند، که برنامه‌های ملی و سیاست‌های اجتماعی، محیط زیستی و بودجه‌ای موجود، سازگاری کودکان با اثرات اجتناب‌ناپذیر تغییرات اقلیمی را تأمین می‌نماید. اقدامات مرتبط با سازگاری کودکان باید نظرات کودکان را در برگرد و بدون هیچ‌گونه تبعیض در مورد تمام گروه‌های کودکان اعمال شود (۲۱). علاوه بر اقدامات مرتبط با سازگاری کودکان، اقدامات دولت‌ها جهت کاهش اثرات تغییرات اقلیمی بر کودکان نیز حائز اهمیت است. اقدامات کاهش‌دهنده می‌بایست مطابق با بهترین علم موجود اتخاذ گردد و دولت‌ها جهت تعیین مناسب بودن اقدامات کاهش‌دهنده خود باید معیارهایی از جمله آنکه اقدامات کاهش‌دهنده براساس اصول برابری و مسئولیت مشترک اما متفاوت و قابلیت‌های مربوطه

دولت‌ها باشد (۲۲)، اقدامات مذکور باید کوتاه‌مدت و فوری در نظر گرفته شود و همچنین این اقدامات در راستای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و نه تنها حذف کربن دی‌اکسید در جو متکی باشد را در نظر گیرند. از دیگر رهنمودهای کمیته آن است که دولت‌ها باید سرمایه‌گذاری و استفاده از کربن خنثی را به‌ویژه توسط شرکت‌های دولتی تشویق کنند و شرکت‌های دولتی و خصوصی را به سمت دسترسی به فناوری‌های تجدیدپذیر و ارائه محصولات و خدمات انرژی پایدار سوق دهند. همچنین دولت‌ها می‌بایست اطمینان حاصل نمایند که تعهدات آن‌ها تحت توافقنامه‌های تجاری یا سرمایه‌گذاری، تعهداتی را بر عهده سرمایه‌گذاران گذاشته تا بررسی‌های لازم را جهت احقاق حقوق کودکان در ارتباط با محیط زیست انجام می‌دهند. در ارتباط با سرمایه‌گذاری‌های اقلیمی نیز تأمین‌کنندگان مالی بین‌المللی و دولت‌های دریافت‌کننده می‌بایست متعهد گردند که رویکرد مبتنی بر حقوق کودک را بر ساز و کارهای مربوطه اعمال می‌کنند (۲۳).

۵. نظریه برابری بین نسلی و منافع نسل‌های آینده در رابطه حقوق کودک و تغییرات اقلیمی

در حالی که واضح است که در نظر تفسیری شماره ۲۶ موضوعات زیادی جهت ستایش وجود دارد، اما فرصت‌های از دست رفته نیز وجود دارد. شاید مهم‌ترین مورد از نظر وضعیت فعلی نظام حقوق بین‌الملل بشر، تعامل محدود کمیته با موضوعات عدالت بین نسلی و حقوق نسل‌های آینده باشد (۲۴).

در وهله نخست، اگرچه کمیته حقوق کودک به «نسل‌های آینده» در بخش‌های مختلف شورای همکاری خلیج فارس اشاره می‌کند، و برخورد کلی آن با این موضوع و عدالت بین نسلی عموماً جای مطلوبی دارد. اما از سوی دیگر ارجاعات متعدد به نسل‌های آینده، نظریه تفسیری پرسش‌های کلیدی را باتوجه به اینکه تا چه حد «نسل‌های آینده» با کودکان زنده فعلی (چه در کودکی یا بزرگسالان آینده) مطابقت دارند، و یا اینکه میزان حمایت از «نسل‌های آینده» (هرچند تعریف

شده) براساس کنوانسیون حقوق کودک تا چه حد است، را بی‌پاسخ می‌گذارد. همچنین به شیوه‌ای معنادار با مفاهیم حقوق کودکان جهت تفسیر و کاربرد نظریه برابری بین نسلی درگیر نیست (۲۵). مقدمه نظر تفسیری شامل نقل قولی از یک کودک است که بیان می‌دارد: «من می‌خواهم به بزرگسالان بگویم که ما نسل‌های آینده هستیم و اگر شما این سیاره را نابود کنید، ما کجا زندگی کنیم؟» همچنین در بخشی با عنوان «برابری بین نسلی و نسل‌های آینده»، کمیته اشعار می‌دارد که: در حالی که کودکانی که روی زمین حضور دارند نیاز به توجه فوری دارند، آن‌هایی که متولد خواهند شد نیز حق دارند از حداکثر حقوق انسانی خود منتفع گردند. روشن نیست که آیا این کودکان «به‌طور مداوم» از نظر کمیته، نسل‌های آینده هستند یا اینکه صرفاً تأکید می‌کند که با تولد فرزندان بیشتر، آن‌ها حق دارند حقوق خود را در اینجا و اکنون محقق کنند. به نظر می‌رسد کمیته از بیانی استفاده می‌نماید که در گزارش سال ۲۰۱۸ میلادی توسط گزارشگر ویژه آن زمان در مورد محیط زیست و حقوق بشر، استفاده می‌شود، جایی که او در مورد «بحث‌های نسل‌های آینده برای در نظر گرفتن حقوق کودکانی که در حال تولد هستند یا قبلاً وارد این سیاره شده‌اند». با این حال، بیان نظر تفسیری مذکور با بیان مورد استفاده در گزارش یکسان نیست (۲۶).

نظر تفسیری شماره ۲۶ روشن می‌کند که «کمیته اصل برابری بین نسلی و منافع نسل‌های آینده را به رسمیت می‌شناسد» اما این اصل را با هیچ جزئیاتی تعریف نمی‌کند یا به رابطه بین منافع نسل‌های آینده و نسل‌های کنونی از جمله کودکان نمی‌پردازد. بیانیه نهایی کمیته در پاراگراف کلیدی این است که «دولت‌ها فراتر از تعهدات فوری خود تحت کنوانسیون در رابطه با محیط زیست، مسئولیت تهدیدات قابل پیش‌بینی مرتبط با محیط زیست را بر عهده دارند که در نتیجه فعل یا ترک فعل آن‌ها در حال حاضر ایجاد می‌شود. اما پیامدهای کامل آن ممکن است برای سال‌ها یا حتی دهه‌ها آشکار نشود.» این فرمول به وضوح مسئولیت دولتی و علیت را در برمی‌گیرد، اما روشن نمی‌کند که چگونه چنین مسئولیتی با نسل‌های آینده ارتباط دارد (۲۷).

نتیجه‌گیری

«تغییرات اقلیمی» به‌عنوان واقعیتی تلخ و ساخته دست انبای بشر که نشئت گرفته از انتشار گازهای گلخانه‌ای است، موج عظیمی از بلایای طبیعی، افزایش سطح آب دریاها، گرما و خشکسالی و گسترش مناطق گرمسیری و بیابان‌زایی و شیوع بیماری‌های مسری را در عصر پدیده‌های تکنولوژی در پی داشته است. حق بر حیات، نخستین و بنیادی‌ترین حق از حقوق انسان‌ها محسوب می‌گردد. مطابق با ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر هر فردی سزاوار و محق به زندگی، آزادی و امنیت فردی است. به دلیل ویژگی سنی، کودکان به‌طور منحصر به فردی در برابر تغییرات آب و هوایی آسیب‌پذیرتر هستند. «تغییرات اقلیمی» از طریق افزایش آلودگی هوا، بلایای مرتبط با آب و هوا، امواج گرمای شدید، کاهش کیفیت و کمیت آب، کمبود مواد غذایی و قرار گرفتن بیشتر در معرض مواد سمی بر حق بر سلامت کودکان تأثیر گذاشته است. نظریه عدالت بین‌نسلی در بهترین حالت، آموزه‌ای است جهت سوق دادن «حقوق موجود» به سمت «حقوق مطلوب» و تفسیر قواعد حقوق بین‌الملل به روش‌های منصفانه و مبتنی بر «نیازهای جامعه بین‌المللی در کل» که باید در راستای حفظ «میراث مشترک بشریت» حرکت نماید. بحران‌های محیط زیستی فعلی و چالش‌های ناشی از آن‌ها نیازمند تفسیری پویا از کنوانسیون حقوق کودک به‌عنوان یکی از قابل قبول‌ترین اسناد حقوق بشری پس از ۳۵ سال است، تا کلیه حقوق ذیل کنوانسیون برای کودکان نسل جدید و آینده محقق گردد. کمیته حقوق کودک ملل متحد به‌عنوان نهاد نظارتی بر اجرای کنوانسیون در سال ۲۰۲۳ میلادی در یک اقدام قابل تحسین در نظر تفسیری شماره ۲۶ خود، رویکردی مبتنی بر حقوق کودک اتخاذ نمود و به اصول حقوق بشر و محیط زیست، به رسمیت شناختن حق بشر جهت داشتن محیط زیستی پاک، سالم و پایدار و اصول و تعهدات موجود و در حال تحول حقوق بین‌الملل محیط زیست توجه داشته است. کمیته مذکور در همین راستا دولت‌ها را مکلف نموده تا آسیب‌پذیری‌های کودکان را در دسترسی، کیفیت، برابری و

پایداری خدمات ضروری همچون آب و فاضلاب، مراقبت‌های بهداشتی، تغذیه و آموزش شناسایی کرده و اطمینان حاصل نمایند که برنامه‌های ملی و سیاست‌های اجتماعی، محیط زیستی و بودجه‌ای موجود، سازگاری کودکان با اثرات اجتناب‌ناپذیر تغییرات اقلیمی را تأمین می‌نماید و اقدامات مرتبط با سازگاری کودکان باید نظرات کودکان و «حق بر شنیده شدن» را دربر گیرد و بدون تبعیض در مورد تمامی گروه‌های کودکان اعمال گردد.

علاوه بر اقدامات مرتبط با سازگاری کودکان، اقدامات دولت‌ها جهت کاهش اثرات تغییرات اقلیم بر کودکان نیز حائز اهمیت است. اقدامات کاهش‌دهنده می‌بایست مطابق با بهترین علم موجود اتخاذ گردد و دولت‌ها جهت تعیین مناسب بودن اقدامات کاهش‌دهنده خود باید معیارهایی ازجمله آنکه اقدامات کاهش‌دهنده براساس «اصول برابری و مسئولیت مشترک» اما متفاوت و قابلیت‌های مربوطه دولت‌ها باشد، اقدامات مذکور می‌بایست کوتاه‌مدت و فوری در نظر گرفته شود و همچنین این اقدامات در راستای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و نه تنها حذف کربن دی‌اکسید در جو متکی باشد را در نظر گیرند.

حقوق کودکان و حقوق نسل‌های آینده از موضوعات حائز اهمیت هستند. اگر هر دو مجموعه حقوق به‌منظور دستیابی به پتانسیل کامل خود از نظر تدوین و اجرایی شدن از طریق حقوق بین‌الملل بشر باید پیش بروند، پیچیدگی‌های پیوندها، همپوشانی‌ها و جدایی‌های آن‌ها باید به‌طور جدی و بی‌ملاحظه‌ای مورد توجه قرار گیرد.

در آخر باید گفت که کودکی رؤیا نیست و حق با کودکان است؛ صیانت از مصالح عالی‌ه کودکان، مهم‌ترین مبنای حقوق کودک و پاسداشت حق دارا بودن از حق برای کودکان از مهم‌ترین اهداف خاص نظام حقوق بین‌الملل کودکان در عصر حاضر است و در نتیجه توجه به تعهدات دولت‌ها در حمایت و صیانت از حقوق کودکان در سطح بین‌المللی و داخلی در برابر تغییرات اقلیمی در این حوزه بسیار ضروری است.

مشارکت نویسندگان

محمد مهدی سیدناصری: ارائه ایده، جمع‌آوری اطلاعات و منابع، تحلیل داده‌ها، نگارش مقاله.
محمود عباسی: راهنمایی، نظارت بر اجرای تحقیق و اصلاح مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

بیانیه هوش مصنوعی

نویسندگان اعلام می‌دارند که در فرایند تحقیق، نگارش و ویرایش این مقاله، از هیچ‌گونه ابزار هوش مصنوعی استفاده نشده است.

References

1. UNICEF. The State of the World's Children 2021: Promoting, protecting and caring for children's mental health. New York: United Nations Children's Fund; 2021.
2. Mayer B. The international law on climate change. Cambridge: Cambridge University Press; 2018.
3. Safari Nia M. The child's right to a healthy and sustainable environment and the obligations of states and other relevant actors in the transition of new international legal developments. *Justice Journal*. 2024; 88(125): 37-75. [Persian]
4. Mohebi M, Faiz Elahi F. Analyzing the concept of intergenerational justice in international environmental law. *Journal of International Law*. 2021; 38(65): 7-30. [Persian]
5. Keller H, Leenaerts G. UN human rights treaty bodies: law and legitimacy. Cambridge: Cambridge University Press; 2021.
6. Malthus TR. An essay on the principle of population: the 1803 edition. Edited by Shannon CS. New Haven (CT); London: Yale University Press; 2018.
7. Dupuy PM, Viñuales JE. International environmental law. 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press; 2018.
8. Anåker A, Nilsson M, Holmner Å, et al. Nurses' perceptions of climate and environmental issues: a qualitative study. *J Adv Nurs*. 2015; 71(8): 1883-1891.
9. Suedi Y. Litigating climate change before the Committee on the Rights of the Child in *Sacchi v Argentina et al.*: breaking new ground? *Nordic J Hum Rights*. 2023; 40(4): 549-567.
10. Anderko L, Pennea E. Climate change and children's health: improving clinical practice to address changing health needs. *J Nurse Pract*. 2022; 18(4): 395-398.
11. Brumberg HL, Karr CJ; Council on Environmental Health. Ambient air pollution: health hazards to children. *Pediatrics*. 2021; 147(6): e2021051484.
12. Adlong W, Dietsch E. Nursing and climate change: an emerging connection. *Collegian*. 2015; 22(1): 19-24.
13. Gislason MK, Kennedy AM, Witham SM. The interplay between social and ecological determinants of mental health for children and youth in the climate crisis. *Int J Environ Res Public Health*. 2021; 18(9): 4573.
14. Helldén D, Ndejjo R, Sturm A, et al. Climate change adaptation across the life-course—from pregnancy to adolescence: it's time to advance the field of climate change and child health. *Environ Res Health*. 2023; 1: 023001.
15. Hickman C, Marks E, Pihkala P, et al. Climate anxiety in children and young people and their beliefs about government responses to climate change: a global survey. *Lancet Planet Health*. 2021; 5(12): e863-e873.
16. Léger-Goodes T, Malboeuf-Hurtubise C, Hurtubise K, et al. How children make sense of climate change: a descriptive qualitative study of eco-anxiety in parent-child dyads. *PLoS One*. 2023; 18(4): e0284774.
17. Nicholas PK, Breakey S, Tagliareni ME, et al. Climate change and population health: incorporating stages of nursing's political development. *Nurs Outlook*. 2021; 69(1): 65-73.
18. Oerther S. Role of the school nurse in addressing climate-associated illnesses of school-age children. *NASN Sch Nurse*. 2023; 39(1): 18-20.
19. Perera F, Nadeau K. Climate change, fossil-fuel pollution, and children's health. *N Engl J Med*. 2022; 386(24): 2303-2314.
20. Reiner KL, Haas-Howard C. Essential strategies for school nurses to move upstream in support of healthy students and a healthy planet. *NASN Sch Nurse*. 2022; 37(4): 217-222.
21. Rousell D, Cutter-Mackenzie-Knowles A. A systematic review of climate change education: giving children and young people a "voice" and a "hand" in redressing climate change. *Child Geogr*. 2020; 18(2): 191-208.
22. Royal College of Paediatrics and Child Health. The impact of climate change on global child health: position statement. London: RCPCH; 2023. Available from: <http://www.rcpch.ac.uk/resources/impact-climate-change-global-child-health-position-statement>
23. Turner A, Wilks J. Whose voices? Whose knowledge? Children and young people's learning about climate change through local spaces and Indigenous knowledge systems. *Child Geogr*. 2022.
24. United Nations Children's Fund. The climate crisis is a child rights crisis: introducing the Children's Climate Risk Index. New York: UNICEF; 2021. Available from: http://www.unicef.org.uk/wp-content/uploads/2021/08/UNICEF_CCRI_report_EN-1.pdf.

25. Urrutia-Pereira M, Guidos-Fogelbach G, Solé D. Climate change, air pollution and allergic diseases in childhood and adolescence. *J Pediatr (Rio J)*. 2022; 98(Suppl 1): S47–S54.
26. World Health Organization. Air pollution and child health: prescribing clean air. Geneva: World Health Organization; 2018.
27. Zhao Y, Sun Z, Xiang L, et al. Effects of pollen concentration on allergic rhinitis in children: a retrospective study from Beijing, a Chinese megacity. *Environ Res*. 2023; 229: 115903.